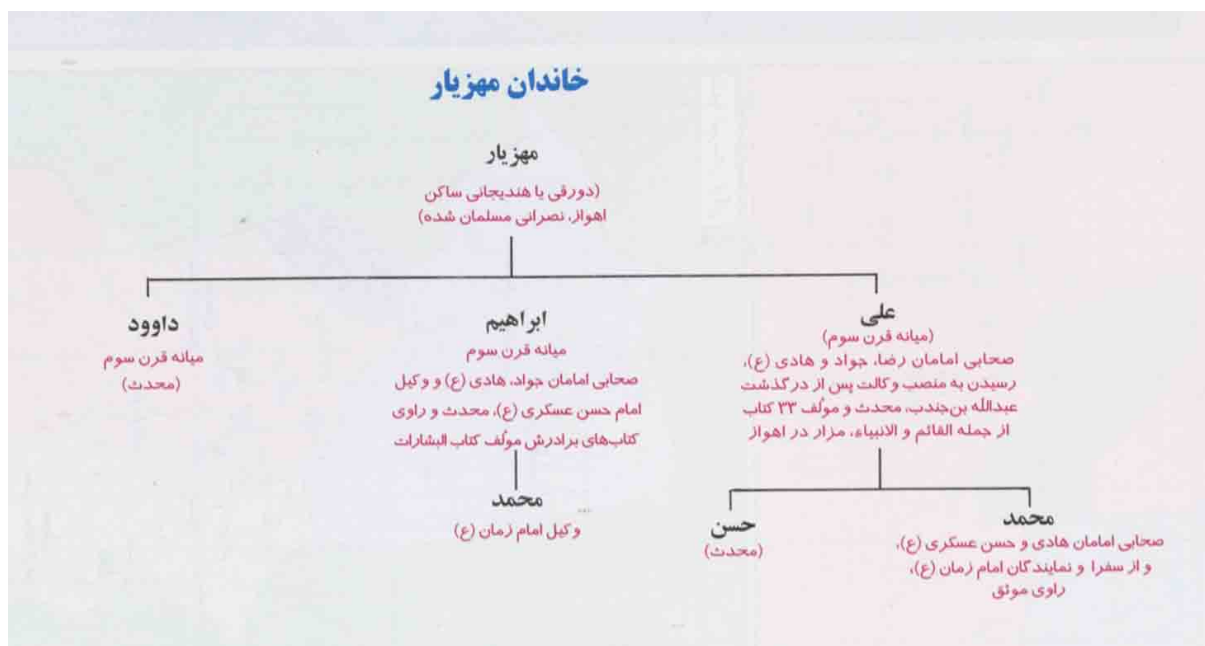


شیعیان اهواز در قرن دوم و سوم

اهواز از مراکز اصلی شیعه در ایران و سابقه تشیع آن از قرن اول هجری است. شاید این تعبیر را به جز اهواز، تنها بتوان در باره قم بکار برد. تشیع اهواز به سبب پیوند نزدیک آن با کوفه است. رفاعه بن شداد که از شیعیان کوفه و درگیر در ماجرای توابین بود، از طرف امام علی (ع) قاضی اهواز بود و حضرت در نامه ای نصایحی به او کردند که قطعاتی از آن در دعائم الاسلام برجای مانده است (مستدرک: ۲/۴۵۰، ۱۴/۱۲۶، ۱۷/۳۴۷).



بنابراین نفوذ تشیع در اهواز از قرن اول امری عادی بوده و اخبار و اقوالی در این باره در منابع آمده است. طبق معمول مهم ترین شواهد مربوط به رجال شیعی این شهر است. ابراهیم بن میمون از کوفیان شیعی است که برای کار تجاری به اهواز رفت و آمد داشت و در این باره از قصر و اتمام نماز و سجده بر قیر از امام صادق (ع) پرسید (تهذیب: ۲/۲۹۸). وقتی امام رضا علیه السلام از اهواز می گذشت برخی از شیعیان نواحی اهواز با وی دیدار کردند (الخرائج: ۲/۶۶۰) نامه ای از امام هادی (ع) به مردم اهواز در باره مسأله جبر و تفویض در دست است. (مستدرک: ۷/۲۵۴ - ۲۵۵). در نقلی دیگر آمده است که گروهی از شیعیان اهواز یاد شده که به سامراء آمدند تا امام عسکری (ع) را در یک مراسم ببینند (الخرائج: ۱/۴۴۱). از دوره غیبت صغری هم نقل شده

است که مردی متعهد در اهواز به نام سرور، گنگ بود و برای شفا به بغداد آمد تا ابوالقاسم بن روح او را نزد حضرت برده شفا پیدا کند و کرد. (خرائج: ۱۱۲۳/۳).

در این دوره، تشیع قم نیز استوار شده و اهواز و قم با یکدیگر پیوند شیعی استواری دارند. یک نمونه روشن آن ارتباط دو تن از شیعیان برجسته اهواز این دوره با قم و رفت و آمد به این شهر و یا سکونت در آن است. یکی علی بن مهزیار اهوازی دورقی و دیگری حسین بن سعید بن حماد اهوازی است که هر دو در نیمه دوم قرن دوم و اوائل قرن سوم هجری با قم در ارتباط بودند. حسین بن سعید به قم آمد و همانجا در گذشت و مدفون شد و سی کتاب داشت (رجال ابن دواد: ۱۲۴) که قمی ها از او روایت کرده اند.

در اینجا نام شماری از اصحاب ائمه (ع) را که اهوازی بوده و برخی از آنان از مؤلفان شیعی در قرن دوم و سوم بوده اند مرور می کنیم:

* ابوبجیر عبدالله بن نجاشی بن عثیم بن سمعان ابوبجیر اسدی - که در برخی نقلها اول زیدی بوده و سپس امامی شده (رجال العلامة: ۱۰۹) - از طرف منصور حاکم اهواز بود. وی نامه ای به امام صادق (ع) نوشت و در این نامه مسائلی را پرسید و امام به وی پاسخ داد. پاسخ امام به عنوان «رسالة ابي عبدالله بن النجاشي» در منابع آمده است. (وسائل: ۲۰۸/۱۷ - ۲۰۹) حکایتی که در کافی: ۱۹۰/۲ - ۱۹۱ در باره حضور نجاشی در اهواز به عنوان حاکم و درخواست یکی از شیعیان از امام صادق (ع) برای وساطت نزد وی آمده، باید همین نجاشی باشد. گفتنی است که احمد بن علی نجاشی، نویسنده کتاب رجال، از همین خانواده است و به این مطلب در چند جای کتاب خود اشاره کرده است (بنگرید: میراث مکتوب شیعه: ۳۴۸). نجاشی از خاندان بنی اسد، از قبایل شیعی عرب است و لاجرم باید مهاجرت بنی اسد را به این شهر، پایه تشیع آن به شمار آورد.

* فضالة بن ایوب ازدی، عرب خالص، از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع) که ساکن اهواز شد و از فقهای آنجا بود (رجال ابن داود: ۲۷۱) و مؤلف چند کتاب از جمله کتاب الصلاة (نجاشی: ۳۱۰). گفته شده: حسن بن سعید اهوازی با وی نزدیک بود (اما حسین بن سعید نه) (نجاشی: ۳۱۱).

* عبدالله بن محمد بن حصین حصینی عبدی (عبدالقیسی) از اهواز و از اصحاب امام رضا علیه السلام که کتاب حدیث هم داشته است (رجال نجاشی: ۲۲۷).

* احمد بن محمد حصینی (حضینی یا خصیبی) عبدی [عبدقیسی] اهوازی از اصحاب امام عسکری (ع) (رجال طوسی: ۳۹۷).

* جعفر بن حمدان خصیبی همو که در روایت علی بن ابراهیم بن مهزیار، امام از وی ستایش می کند [دلائل الامامه: ۲۹۶، خرائج: ۱۰۹۹/۳]

* محمد بن ابراهیم حصینی اهوازی. برادرش حمدان گوید: به ابو جعفر ثانی علیه السلام عرض کردم: برادرم در گذشت. حضرت فرمود: رحم الله أخاک فانه من خصیص شیعتی؛ خدای برادرت را رحمت کند؛ او از نزدیکترین شیعیان به من بود (کشی: ۵۶۳)

* حمدان بن محمد حصینی. از روایت (کشی: ۸۳۵/۲) چنین به دست می آید که او نیز از شیعیان اهوازی بوده است. طوسی در رجال: ۳۵۶ از او به عنوان یکی از اصحاب امام جواد(ع) یاد کرده است.

* ابوالحصین بن حصین (ابوالحسین بن حسین) ساکن اهواز از اصحاب امام هادی(ع) (رجال طوسی: ۳۹۳). علامه حلی او را از اصحاب امام جواد (ع) دانسته که در اهواز ساکن شد و از اصحاب امام هادی (ع) هم بود. (رجال العلامة: ۱۸۷).

* عبدالله بن محمد اهوازی، به نوشته نجاشی وی کتابی داشته که در آن مسائلی را از موسی بن جعفر (ع) پرسیده و در آن آورده بوده است (نجاشی: ۲۲۷).

* احمد بن محمد بن موسی بن الصلت، از علمای شیعه در اواخر قرن سوم که نامش در طُرُق روایی نجاشی و طوسی (فهرست طوسی: ۵۸-۳۴) آمده است.

* حسین بن سعید بن حماد بن مهران اهوازی. جد وی حماد بن مهران از موالی امام علی بن الحسین (ع) بود. امام حسین بن سعید، از امامان رضا، جواد و هادی (ع) روایت کرده و مؤلف سی جلد کتاب است که از آن جمله کتاب الزهد نام دارد. وی کوفی بود؛ مدتی در اهواز ساکن شد و سپس به قم منتقل گردید و همانجا در گذشت و مدفون شد. وی در قم بر حسن بن ابان وارد شد (رجال العلامة: ۴۹) (همین مطالب را با اسامی آثار وی بنگرید: فهرست طوسی: ۵۸). ابن الولید گوید: این کتابها را حسین بن حسن بن ابان در حالی که به خط حسین بن سعید بود به دست ما رساند. او گفت که وی میهمان پدرش حسن بن ابان بوده است. (فهرست طوسی: ۵۸ - ۵۹). شیخ صدوق در آغاز تهذیب از اتکای خود به آثار حسین بن سعید اهوازی و علی بن مهزیار اهوازی یاد کرده است (من لایحضر: ۱ / ۲). بخش عمده ای از کتاب المؤمن و کتاب الزهد وی برجای و قطعاتی هم از کتابهای دیگر او برجای مانده است.

داستان حسین بن سعید، تبادل و تعامل علمی - حدیثی میان شیعیان قم و اهواز را نشان می دهد. علی بن مهزیار متأثر از حسین بن سعید است (فهرست طوسی: ۱۵۲). جعفر بن یحیی بن سعید احول، دایی حسین بن سعید از اصحاب امام هادی علیه السلام بود. * حسن بن سعید بن حماد اهوازی. وی با برادرش در تألیف تمامی آثار او مشارکت داشت، اما کتاب ها به نام برادرش شهرت یافت (نجاشی: ۵۸).

کشی گوید: حسن و حسین فرزندان سعید بن حماد بن سعید از موالی علی بن الحسین بودند. حسن بن سعید همان است که اسحاق بن ابراهیم حضینی (اهوازی) و علی بن ریان را به امام رضا (ع) پیوند داد. همین طور عبدالله بن محمد حضینی را. حسن بیش از پنجاه تألیف دارد و سعید ملقب به دندان بود. (رجال کشی: ۵۵۲) همان طور که گفتیم، جد اینان، حماد بن مهران دست پرورده امام سجاد (ع) بوده است. (نجاشی: ۵۸).

* علی بن مهزیار از محدثان و دانشمندان شیعه در نیمه اول قرن سوم هجری است، کسی که آن اندازه اعتبار داشت که مزارش از همان ایام برای شیعیان منطقه خوزستان و در شهر اهواز زیارتگاه باشد. نجاشی می نویسد اصل او از منطقه دورق است که در اهواز سکونت کرده و پدرش نصرانی بوده و مسلمان شده است (نجاشی: ۲۵۳). در نقلی دیگر آمده است که او از هندیجان فارس بود و در اهواز ساکن شد. در رجال کشی (۵۴۹) آمده است که او نصرانی بود که مسلمان شد و در اصل از یکی از قرای فارس بود، سپس در اهواز ساکن شد و همانجا ماند. از بس سجده کرده بود پیشانی اش پینه بسته بود. وی بعد از درگذشت عبدالله بن جندب جای وی را گرفت. بیش از سی کتاب دارد و محتوای برخی از مکاتبات وی با امامان در منابع نقل شده است (کشی: ۵۵۰ - ۵۵۱).

در روایتی آمده است: زمانی از ابوجعفر علیه السلام اجازه خواست که به خاطر فراوانی زلزله های اهواز از آنجا منتقل شده جای دیگری برود. امام به وی نوشتند: از آنجا نروید، چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه را روزه بگیرد. غسل کنید و لباس خویش را طاهر کرده روز جمعه بیرون روید دعا کنید. او گوید: چنین کردیم. زلزله ها متوقف شد. (علل الشرائع: ۵۵۵/۲، من لایحضر: ۵۴۴/۱). از خاندان مهزیار شماری محدث و مؤلف در منابع روایی و رجال شیعه یاد شده است. یکی از آنها ابراهیم بن مهزیار اهوازی است که کتاب البشارات داشته است (نجاشی: ۱۶). محمد بن علی بن مهزیار که اخباری از او نقل شده و چند نسل بعد، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن مهزیار

اهوازی (رسالة ابي غالب زراري: ۱۵۰). سلامه بن محمد بن حسين بن علي بن مهزيار از مشايخ نعماني استاد كليني (طبقات اعلام الشيعة: قرن چهارم: ۱۳۶)

* احمد بن حسين بن سعيد بن حماد اهوازی ملقب به «دندان» كه غالي بود. كتابي با عنوان كتاب الاحتجاج داشته است (نجاشي: ۷۷، فهرست طوسي: ۶۵).

* محمد بن جبرئيل اهوازی؛ كتابي در حديث داشته است (نجاشي: ۳۳۹).

* محمد بن جعفر بن عنبسه حداد معروف به ابن رويده؛ متهم به غلو بوده، چندين اثر از جمله كتاب «الخصال» و «كتاب الكمال» داشته است (نجاشي: ۳۷۶).

* احمد بن ابراهيم بن احمد بن معلى عمى اهوازی، از مؤلفان شيعه كه شيخ طوسي در فهرست: ۷۶ از او ياد كرده و كتابي در مناقب اميرالمؤمنين (ع) و كتابي در اخبار صاحب الزنج دارد. اينها تميمي بودند كه از آن خارج شده با حلف، به قبيله تنوخ پيوسته و در اهواز ساكن شدند (فهرست طوسي: ۷۶).

تعداد بيشترى اهوازی در ميان رجال حديث و مؤلف و راوى از امامان در اخبار شيعى وجود دارد كه بايد در باره آنان تحقيق صورت گيرد، مانند يحيى بن سعيد اهوازی، احمد بن محمد بن صلت اهوازی، محمد بن مخلص اهوازی، على بن ازهر اهوازی، جعفر بن سلمه اهوازی، على بن عروه اهوازی، احمد بن محمد اهوازی، عمر بن رياح اهوازی، عبدالله بن محمد اهوازی، احمد بن روح اهوازی، ابو عبدالله حسين بن على اهوازی.